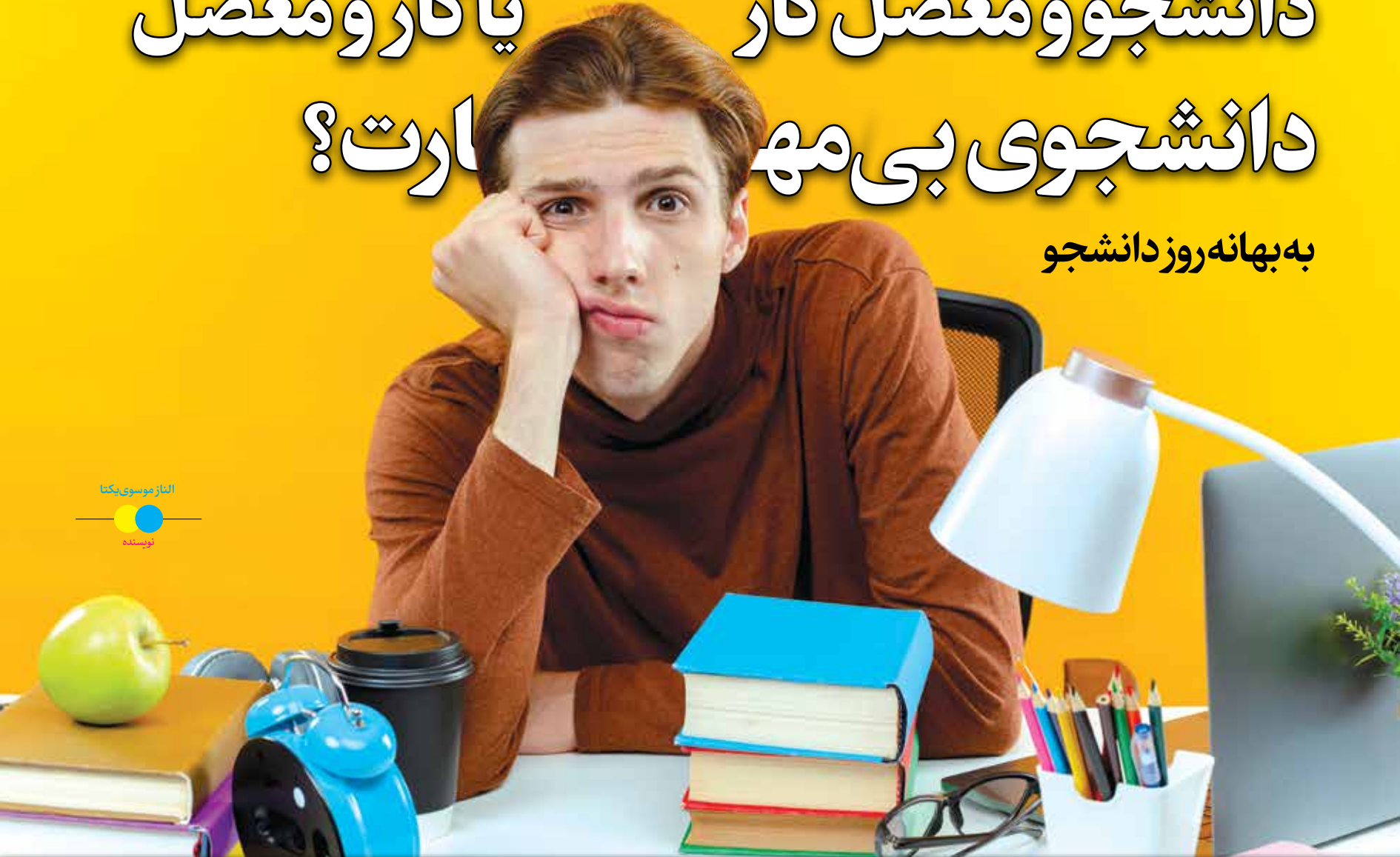


دانشجو و معضل کار یا کار و معضل دانشجوی بی مهارت؟

به بهانه روز دانشجو



انسان موسوی یکتا

نویسنده

درصد از این افراد محل کار را جایی برای آزمون و خطا یافته‌های دانشگاهی که عموماً مطالبی تئوری هستند و تا حقیقت مورد نیاز اجرایی در محل کار فاصله زیادی دارند، قرار می دهند.

در صحبت با مدیر یک شرکت دریافتیم که ادعاهای این افراد در زمان جذب با واقعیت دانسته‌های آنها بسیار متفاوت است؛ زیرا فضای آموزشی افراد را برای حضور در محل کار، بهره‌وری و استفاده از دانش به صورت عملی آماده نمی کند و مطالبی را به صورت غیرعملی و کارگاهی به آنها آموزش می دهد. یکی از بزرگ ترین معضلات سیستم آموزشی ما این است که افراد برای دریافت مدرک پایان دوره هر مقطعی تلاش می کنند نه برای افزایش سطح دانش عملی خود.

دغدغه معیشت، بحران های اجتماعی، نارضایتی از سبک زندگی، عدم تطابق رشته تحصیلی و علاقه فرد، عدم شناخت درست توانایی و علایق، باورهای غلط خانوادگی از رشته های تحصیلی و ناآگاهی آنها، عدم وجود زبان مشترک میان والدین و فرزندان و... همگی از مواردی هستند که به صورت کارشناسی و زیرساختی باید در مورد آنها بحث و گفت و گو و راهکارهای عملی پیاده شود تا بتوان نسلی کارآمد و مشتاق به علم آموزی را در ادوار دیگر به جامعه روانه کرد.

اگر زیرساخت های بهتری از لحاظ معیشت و آرامش روانی در جامعه ایجاد شود از همین قشر دانشجو که انتقادات زیادی در هر دوره زمانی به او وارد است، می توان جمعیتی پرشور و پای کار با بهترین افکار پیشرو برای هدف های اجتماعی کشور تربیت کرد.

اخراج بدون دلیل، مدت زمان کوتاه کار و درخواست های غیرعرفی از جمله مشکلاتی است که دانشجویان با آنها درگیر هستند. طبق آمار منتشر شده بیش از ۷۰ درصد دانشجویان و فارغ التحصیلان در مشاغل غیرمرتبط با تحصیلات شان مشغول به کار هستند. به طور کلی ساعت کاری شناور برای هیچ کارفرمایی پسندیده نیست؛ زیرا هنوز هم این باور قدیمی که افراد باید ساعات مشخصی را فعالیت کنند و در محل کار حضور داشته باشند رایج است. البته در دوران همه گیری ویروس منحوس کووید ۱۹ و تبعات آن افراد زیادی به دورکاری اجباری تن دادند و باورهای غلط قدیمی تعدیل پیدا کرد و برای افراد مختلف شرایط بهتر کاری فراهم شد.

دانشجویان هم که از رفت و آمد به دانشگاه فراغت یافته بودند، می توانستند در مشاغل متناسب با آموخته ها، توانایی ها و علایق شخصی شان مشغول به کار شوند. البته مدت ها زمان برد تا کارفرمایان به این نوع از فعالیت اعتماد کنند و بتوانند افراد را در جایگاه های متناسب با روحیات و تخصص شان بنشانند.

در اینجا بهتر است این نکته مهم را ذکر کنیم که عدم تلاش دانشجویان برای کسب تجربه و اطلاعاتی بیشتر از درس ارائه شده در واحدهای درسی دانشگاه، آنها را به افراد نامطمئنی برای دریافت پست های شغلی مرتبط با رشته تحصیلی تبدیل کرده است. اگر نخواهیم این موضوع را به تمامی دانشجویان بسط دهیم با یک نگاه گذرا به آمار و ارقام می توان گفت که حدود ۶۰

درصد صاحبان مشاغل در آگهی اولیه خود ذکر نکرده اند پذیرش دانشجورا فارغ از سطح توانایی و استعداد افراد متذکر شده اند.

آن تعداد از کارفرمایان هم که این نکته را به عنوان پیش شرط مطرح نمی کنند در زمان استخدام یک دانشجو را تقریباً از تمامی حقوق اولیه یک کارمند محروم می کنند.

از مهم ترین دلایلی که صاحبان مشاغل برای این نوع رفتار خود بیان می کنند عدم سابقه کاری فرد متقاضی و بهره‌وری عملی اوست. این نکته که بالاخره یک فرد کسب تجربه را از کجا باید آغاز کند نیز نکته مغفول یافتن شغل است. به این ترتیب کارفرمایان حقوقی غیرمتعارف را پرداخت می کنند که حتی کفاف هزینه های اولیه رفت و آمد یک فرد را نمی دهد چه رسد به تأمین هزینه مورد نیاز ماهیانه او. این دانشجویان به اصطلاح شاغل تقریباً هیچ گاه تحت پوشش بیمه قرار نمی گیرند. زیرا ورودشان به لیست بیمه یک مجموعه مستلزم دریافت خدماتی از سوی شرکت هاست که معمولاً به افرادی که ساعت کار نامنظم و عدم تمرکز کافی برای محیط کار دارند، تعلق نمی گیرد.

قرارداد اولیه، حقوق وزارت کار، بیمه، مزایا، حق مسکن، حق خواروبار و... جز اولین مواردی است که هر فرد شاغل را شامل می شود.

تعداد زیادی از این دانشجویان برای گذران حداقلی های زندگی به فعالیت بدون داشتن بیمه و عدم بهره‌مندی از مزایای آن می دهند و به تبع آن امکان هرگونه پیگیری و شکایت را از خود سلب می کنند.

از زمان ورود به مدرسه، یعنی از همان ۷ سالگی یکی از جمله ها و سؤال هایی که از هر دانش آموزی می شود، این است که می خواهی چه کاره شوی؟ جواب اغلب این کودکان دکتر، مهندس، معلم و خلبان و یا پلیس است. همه کودکان با رشد در بستر این نوع تعلیم و تربیت رایج در کشور سودای رفتن به دانشگاه و پرورش در فضا دانشگاهی را با خود دارند. اگر بخواهیم از دانشگاه گرایی صرف، براساس نام و سوابق یک مرکز آموزشی گذر کنیم.

این مسئله با ورود به دوره متوسطه شدت بیشتری گرفته و کم کم علاقه دانش آموزان به رشته های تحصیلی جدی تر شده و از کلیت دکتر و مهندس خارج می شود. همچنین این موضوع در سال های اخیر با شکستن تابو فعالیت و تحصیل در رشته های هنری و درس میان رشته ای تنوع زیادی را به خود گرفته که خون تازه ای را برای تربیت افراد متخصص به رگ های جامعه دوانده است.

فرزندان ما در فکر استقلال شخصی و مالی روزها را برای ورود به دانشگاه سپری می کنند، بی آنکه تصویر درستی از آنچه در انتظار آنهاست، داشته باشند.

در دنیای امروز داشتن استقلال مالی یکی از موضوعات مهمی است که همواره تمامی افراد جامعه با آن درگیر هستند. پس از ورود به دانشگاه افراد با دنیای جدیدی مواجه شده و دغدغه ها شکل جدی تر و تازه تری به خود می گیرند. یافتن شغل مناسب که چندین معیار را با هم داشته باشد تبدیل به یکی از دلایل انصراف و رهایی از تحصیل شده است. اگر شما هم سری به صفحات روزنامه و یا سایت های کاریابی زده باشید، متوجه می شوید



بیش از ۸۰ درصد صاحبان مشاغل در آگهی اولیه خود ذکر نکرده اند پذیرش دانشجو را فارغ از سطح توانایی و استعداد افراد متذکر شده اند.



تعداد زیادی از دانشجویان برای گذران حداقلی های زندگی به فعالیت بدون داشتن بیمه و عدم بهره‌مندی از مزایای آن می دهند.